

تحمل تكاليف نفقة الجنين المختبري

رضا اسفنديارى (اسلامى) *

أقدس بكلو**

[تاريخ الاستلام ١٣٩٩/٠٧/٢٤ تاريخ القبول ١٣٩٩/١١/٢٧ هـ ش]

ملخص القول

تقع نفقة الطفل على صاحب النطفة والشخص الذى يُنسب الطفل إليه، إن كان صاحب النطفة زوجاً لصاحبة البويضة أو الرحم، أو إن لم يكن زوجاً لها؛ ولكن فى بعض الفرضيات يمكن تصور تعيين النفقة وفقاً لعقد معين، أى فى الحالات التى يصعب فيها تطبيق مصداق الأب على صاحب النطفة. تعكس نتائج الدراسة أنه وفقاً للمتعارف تقع نفقة الأولاد على الأب ومن بعده على الجد من جهة الأب ومن بعدهما على الأم، ويرى الفقهاء أن نفقة الابن واجبة؛ حتى لو كان نتيجة لعمل منافى للشرع (الزنا). ويعد هذا الحكم قانوناً شاملاً ويشمل حتى الجنين المختبري، كما هو حال الجنين الطبيعى (الحمل) وتدفع النفقة لأم الجنين (الحامل). تكلفه رعاية الجنين المختبري تقع على الأب كذلك؛ حيث أن الطفل الناجم عن التلقيح الاصطناعي يلحق بصاحب النطفة، ويرى الإسلام أن توفير نفقة العائلة ومنها المصاريف الشخصية للمرأة تقع على عاتق الرجل، ولا تتحمل المرأة أى مسؤولية تجاه ذلك.

كلمات مفتاحية: الجنين المختبري، التلقيح الاصطناعي، نفقة الجنين.

* أستاذ مشارك في قسم العلوم ذات الصلة بالفقه، مركز أبحاث العلوم والثقافة الإسلامية..

** طالبة دكتوراه في الدراسات المقارنة بين المذاهب الإسلامية في جامعة الأديان والمذاهب (الكاتب المسؤول).

yasamin_bak@yahoo.com

تحمل هزینه‌های نفقه جنین آزمایشگاهی

رضا اسفندیاری (اسلامی)*

اقدس بکلو**

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۷]

چکیده

نفقه طفل بر عهده صاحب نطفه و کسی است که طفل به او منتسب می‌شود، چه صاحب نطفه با صاحب تخمک یا صاحب رحم نسبت زوجیت داشته باشد یا نه؛ ولی در برخی فروض می‌توان تصور کرد که نفقه بر اساس قرارداد معین شود، یعنی در مواردی که صدق پدر بر صاحب نطفه مشکل باشد. از یافته‌های تحقیق برمی‌آید همان‌طور که بر طبق عرف، نفقه اولاد بر عهده پدر، پس از آن با اجداد پدری و پس از آنان بر عهده مادر است، فقها نیز نفقه فرزند را واجب می‌دانند؛ حتی اگر از راه خلاف شرع (زنا) باشد. این حکم قانونی فراگیر است و شامل رویان آزمایشگاهی نیز می‌شود، چنانکه جنین طبیعی (حمل) را در بر می‌گیرد و نفقه به مادر جنین (حامل) پرداخت می‌شود. هزینه نگهداری رویان هم بر عهده پدر است؛ چراکه طفل ناشی از لقاح آزمایشگاهی به صاحب اسپرم ملحق می‌شود و از نظر اسلام تأمین هزینه خانواده، از جمله مخارج شخصی زن، بر عهده مرد است و زن هیچ‌گونه مسئولیتی ندارد.

کلیدواژه‌ها: جنین آزمایشگاهی، لقاح مصنوعی، نفقه جنین.

* دانشیار گروه دانش‌های وابسته به فقه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. r.esfaniari@isca.ac.ir

** دانشجوی دکتری مطالعات تطبیقی مذاهب اسلامی دانشگاه ادیان و مذاهب. (نویسنده مسئول)

yasamin_bak@yahoo.com

مقدمه

قرآن مجید علاوه بر آنکه وجود همسران را مایه آرامش و سکون می‌داند،^۱ فرزند را زینت زندگی^۲ و زن را محل بذرافشانی و عامل ادامه نسل می‌خواند.^۳ پیامبر اسلام ﷺ در بیان ویژگی‌های یک زن مناسب برای انتخاب همسر، زایا بودن را ملاک قرار داده^۴ که گویای اهمیت موضوع تولید نسل است.

امروزه پیشرفت‌های علمی سبب شده است که بسته شدن نطفه انسان و دیگر حیوان‌ها، از غیر راه شناخته‌شده (آمیزش) امکان یابد. مسئله «جنین آزمایشگاهی» از طریق کاشتن یا تلقیح، از مسائل نوی است که به اقتضای پیشرفت زمان و تولیدات علمی مطرح شده است. عنوان «تلقیح مصنوعی» در متون و منابع اسلامی و در اخبار و احادیث صدر اسلام وجود ندارد تا به صورت منصوص مستندی در تأیید یا رد آن ارائه شود؛ اما باروری زن از راه غیر طبیعی و بدون واقعه جنسی در اسلام تحقق یافته و فرزند ناشی از این لقاح مصنوعی در حدود ضوابط زمان خود، آثاری به وجود آورده که به شکل علمی مطرح شده و نظریات متفاوتی در پی داشته است و به هر حال طفل ناشی از آن به صاحب اسپرم ملحق شده است.^۵

اداره خانواده و تربیت فرزندان هزینه‌هایی دارد که باید یکی از زوجین یا هر دو متحمل شوند. از نظر اسلام تأمین هزینه خانواده، از جمله مخارج شخصی زن، بر عهده مرد است و زن هیچ‌گونه مسئولیتی ندارد.^۶ در این نوشتار پس از بیان روش‌های تولید و

۱. (لَيْسُ كُنَّ إِلَّا يَهَاءَ)؛ تا در کنار او بیاساید (اعراف: ۱۸۹).

۲. (الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا)؛ مال و فرزند، زینت زندگی دنیا است (کهف: ۴۶).

۳. (نَسَاؤُكُمْ حَرْثُكُمْ)؛ زنان شما، محل بذرافشانی شما هستند (بقره: ۲۲۳)؛ (لله ملك السماوات و الارض، یخلق ما یشاء، یهب لمن یشاء إنثاءً و یهب لمن یشاء الذکور أو یزوجهم ذکراً و إنثاءً و یجعل من یشاء عقیماً، إنه علیم قذیر) (شوری: ۴۹-۵۰).

۴. «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشِرَارِ نَسَائِكُمْ؟... الْعَقِيمُ الْحَقُودُ...»؛ آیا بدترین زنانان را معرفی نکنم؟ ... نازا (حرعاملی، وسایل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۳).

۵. امامی، مطالعه تطبیقی نسب در حقوق ایران و فرانسه، ص ۳۸۳.

۶. محقق داماد، بررسی فقهی حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن، ص ۲۸۹.

انتقال جنین آزمایشگاهی، دیدگاه‌های فقهی در خصوص متولی پرداخت هزینه‌های نفقه جنین آزمایشگاهی بررسی می‌شود.

بر اساس تحقیقات دانشمندان و مؤسسات آماری کشورهای مختلف جهان، حدود ۱۰-۱۵ درصد زوجها نابارورند. از نظر علمی ناباروری به مفهوم بچه‌دار نشدن بعد از یک سال مقاربت بدون استفاده از روش‌های جلوگیری از بارداری است. بخشی از زوج‌های نابارور بعد از انقضای مدت‌های طولانی و استفاده از روش‌های دارویی و درمانی مختلف، به علت نقص موجود در یکی از زوجین یا هر دوی آنها، امید به درمان و داشتن فرزند را از دست می‌دهند و چاره‌ای جز بهره‌مندی از نعمت بچه‌دار شدن با استفاده از سلول جنسی یا جنین اهدایی دیگران نمی‌بینند. مطابق گزارش سازمان بهداشت جهانی، در حال حاضر در ایران نیز بیش از یک و نیم میلیون نفر نابارورند که بخشی از آنان درصدد استفاده از روش‌های نوباروری هستند.^۱

نخستین انسان آزمایشگاهی در سال ۱۹۷۸م متولد شد؛ اما تحول بزرگ زمانی روی داد که امکان استفاده از تخمک اهدایی زنان در جهان پزشکی ثابت شد. این تحول در سال ۱۹۸۳م رخ داد و برای اولین بار در جهان، یک زن بدون تخمک با استفاده از تخمک اهدایی زن دیگر بچه‌دار شد.

در آغاز پیدایش تلقیح مصنوعی پاپ اعظم در ایتالیا آن را تحریم کرد و در انگلستان نیز فرزند حاصل از تلقیح مصنوعی را فرزند واقعی صاحب شناسنامه به حساب نیاوردند؛ اما به دنبال روی آوردن زوجین بدون فرزند و نتیجه گرفتن از تلقیح مصنوعی، این عمل صورت قانونی به خود گرفت و حقوقی برای آنان در نظر گرفته شد. با وجود این و علی‌رغم باروری با استفاده از روش‌های گوناگون تولید مثل کمکی، بنا به دلایلی امکان استفاده از تمام این روش‌ها در همه کشورها وجود ندارد؛ برای نمونه می‌توان به قانون حفاظت از جنین کشور آلمان اشاره کرد که در آن، مانند حقوق ایران، اهدای تخمک پذیرفته نشده است.

۱. فیض‌الهی، اهدای جنین و دیگر روش‌های باروری در حقوق ایران، ص ۶.

در ایران بعد از پایان جنگ تحمیلی، تحقیقات در خصوص باروری‌های خارج رحمی و تلقیح مصنوعی آغاز شد و در هشتم دی ماه ۱۳۶۹ اولین فرزند حاصل از تلقیح مصنوعی در بیمارستان افشار دانشگاه شهید صدوقی متولد شد.^۱ با وجود گسترش چشم‌گیر استفاده از روش‌های تولید مثل در دهه ۷۰ شمسی، برخی موانع فرهنگی و حقوقی مانع از بهره‌برداری تمام نیازمندان از این روش‌های درمانی شد. عالمان فقه و حقوق نیز مباحثی جدی را در موافقت و مخالفت با این شیوه‌ها طرح کردند تا اینکه قانون اهدای جنین در ایران در سال ۱۳۸۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

در فقه اسلامی مسئله تلقیح مصنوعی نه به گونه امروزی، اما به شکل‌های دیگری همچون انتقال اسپرم مرد به رحم زن بیگانه مطرح شده است؛ از جمله انتقال اسپرم مرد از طریق زوجه‌اش به زن دیگری با عمل مساحقه، جذب اسپرم مرد به رحم زن یا دختری از طریق نشستن او در جایی که اسپرم مرد در آن وجود داشته است، مثل حمام، صندلی داغ و امثال آن، یا انتقال از طریق ملاعبه نامشروع زن و مرد و جذب منی به رحم زن.^۲ در فقه مساحقه را سرمنشأ تلقیح مصنوعی شمرده‌اند که احکام ویژه‌ای دارد و مستند به قاعده معتبر است: «يلحق الولد بصاحب النطفة»؛ فرزند از آن صاحب نطفه است.^۳

واژه‌شناسی

- **تلقیح:** در لغت به معنای باردار کردن و لقاح به معنای باردار شدن است.^۴ تلقیح به معنای جفت و قرین شدن و پیوند، بارور و حاصل خیز کردن نیز آمده است. ابن فارس اصل معنای آن را در مورد حیوانات صادق دانسته است: «لا حبال ذکر الانثی»؛

۱. همان، ص ۴.

۲. ابراهیمی، بررسی مسئله تلقیح مصنوعی در نگاه فقهی، ص ۷۰.

۳. جعفری، رسائل فقهی، ص ۳۰۸.

۴. ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۵۱۲، ماده لقح.

حامله را مذکرها بارور می کنند و درختان را باده‌ها، باده‌ها ابرها را بارور می کنند و خودشان نیز در اصل بارورند.^۱

- تلقیح مصنوعی: در فرهنگ معین تلقیح مصنوعی در اصطلاح عبارت است از داخل کردن نطفه مرد در رحم زن با آلات پزشکی یا هر وسیله دیگری غیر از مقاربت.^۲ مفهوم اصطلاحی آن از معنای لغوی اش دور نیست؛ به این معنا که تلقیح مصنوعی آن است که زن را با وسایل مصنوعی و بدون آنکه نزدیکی صورت گیرد، باردار کنند.^۳ تلقیح مصنوعی دو نوع است: ۱. تلقیح مصنوعی داخلی که در آن عمل تلقیح بین اسپرم مرد و تخمک زن در داخل رحم صورت می گیرد؛ ۲. تلقیح مصنوعی خارجی که در آن عمل تلقیح بین اسپرم و تخمک در خارج از رحم صورت می گیرد.^۴

- جنین: مقصود از جنین در نوشته‌های فقهی و حقوقی تخمک بارور شده استقرار یافته در رحم تا هنگام تولد است. تخمک بارور شده پیش از استقرار در رحم را نیز جنین یا جنین بالقوه گفته‌اند.^۵ این جنین می تواند به دو صورت تازه و منجمد باشد.

- جنین آزمایشگاهی: نتیجه تلقیح مصنوعی است.

- اهدای جنین: واگذاری داوطلبانه و رایگان یک یا چند جنین از زوج‌های واجد شرایط

مقرر در قانون نحوه اهدای جنین - مصوب سال ۱۳۸۲ - به زوجین نابارور است.

- نفقه: به معنای «آنچه صرف هزینه عیال و اولاد کنند، هزینه زندگی زن و فرزندان، روزی و مایحتاج معاش»^۶ آمده است. همچنین در تعریف دیگری آمده است: «ما انفقت و استنفقت علی العیال و نفسک»^۷؛ آنچه فرد برای خود و خانواده‌اش هزینه می کند. بیشتر

۱. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۲۶۱.

۲. معین، فرهنگ معین فارسی، ج ۱، ص ۳۴۴.

۳. نایب‌زاده، بررسی حقوقی روش‌های نوین باروری مصنوعی، ص ۹.

۴. غانم، احکام الجنین فی الفقه الاسلامی، ص ۲۲۹-۲۳۴.

۵. نایب‌زاده، بررسی حقوقی روش‌های نوین باروری مصنوعی، ص ۲۴.

۶. دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ص ۶۷۳.

۷. فراهیدی، العین، ص ۱۷۷.

تعاریفی که در فقه ارائه شده‌اند همراه با ذکر مصادیق‌اند؛ از این رو، بیشتر اختلاف‌ها به مصادیق برمی‌گردد. فقهای امامیه برای وجوب نفقه زوجه به کتاب، سنت و اجماع استدلال کرده‌اند و فقهای عامه علاوه بر آن، به عقل و قیاس نیز تمسک جستند.^۱

احکام فقهی و حقوقی نفقه

نفقه با یکی از سبب‌های سه‌گانه زوجیت، قرابت و مالکیت بر انسان واجب می‌شود.^۲ بنابراین، پرداخت نفقه به همسر(زن) به سبب زوجیت، فرزندان (و فرزندان آنان)، پدر و مادر (و پدر و مادر آنان) به سبب قرابت، و غلام و کنیز و حتی حیوانات خانگی^۳ به سبب مالکیت بر انسان واجب است.

چندین آیه و روایت به روشنی وجوب پرداخت هزینه نیازهای زن بر شوهر را بیان کرده‌اند؛ در این مجال تنها به سه مورد اشاره می‌کنیم:

۱. (وَ عَلَى الْمَوْلِدِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تَكْلَفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا)؛^۴ «بر آن که فرزند برای او متولد شده (یعنی پدر) لازم است خوراک و پوشاک مادران را (به‌اندازه توانایی) به گونه شایسته بپردازد. هیچ کس به بیش از مقدار توانایی خود موظف نیست». برخی از مفسران کلمه معروف را به معنای «مناسب و شایسته» تفسیر کرده‌اند.^۵ به نظر می‌رسد، با عبارت «به طور متعارف» یا «عرف آن را به رسمیت بشناسد» تعریف دقیق‌تر خواهد بود؛ زیرا مانند موردی که زن به علت وضع جسمی نیازمند هزینه‌ای غیر متعارف باشد، همان‌طور که برخی فقها ادعا کرده‌اند، دیگر نمی‌توان آن را جزء نفقه به شمار آورد.^۶

۱. شهیدثانی، مسالک الأفهام، ج ۸، ص ۴۳۹.

۲. اسلامی، ترجمه شرح تحریر الوسیله، ج ۳، ص ۵۵۹.

۳. همان، ص ۵۵۷.

۴. بقره: ۲۳۳.

۵. مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۱.

۶. خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۸۳.

۲. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ يَعْوَلُ؛ ملعون است ملعون است کسی که خانواده و عائله‌اش را ضایع کند».^۱

۳. هند (همسر ابوسفیان) از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرسید: «شوهرم نفقه من و فرزندم را نمی‌دهد، آیا می‌توانم از اموالش بردارم؟». پیامبر فرمود: «به اندازه متعارف برای خود و فرزندان بردار».^۲

اصل وجوب نفقه اجماعی است و همه فقهای مذاهب خمسسه بر آن اتفاق نظر دارند.^۳ همچنین در مذاهب چهارگانه اهل سنت، به دلیل عقلی بر وجوب نفقه استدلال شده است. از آنجا که شوهر به جهت استمتاعش از زوجه باعث می‌شود زوجه از برخی منافعش محروم و محبوس شود، باید مئونه و هزینه‌های زندگی زوجه‌اش را در عوض یا به جزای این احتباس تأمین کند، چنانکه امام باید نفقه کسانی را که به جنگ رفته‌اند از بیت‌المال بپردازد؛ چراکه نفوس خویش را برای جهاد حبس کرده‌اند. بنابراین شوهر نیز باید نفقه زوجه‌اش را که نفس خویش را برای استمتاع وی حبس کرده، بپردازد.^۴ تفاوتی که مذاهب مذکور در استدلال فوق دارند، آن است که حنفی‌ها نفقه را جزای احتباس و مذاهب دیگر آن را عوض احتباس یا تمکین می‌دانند.

شرع مصادیق نفقه را تعیین نکرده است. تمام آیات مربوط به انفاق، وجوب نفقه را به طور مطلق به عرف ارجاع داده و روایات مربوطه هم به امور متعارف اشاره می‌کنند؛ از این رو، «پرداخت آنچه عرف آن را نفقه و هزینه زندگی بشناسد، بر شوهر واجب است».^۵

با توجه به بالا بودن هزینه‌های تولید جنین آزمایشگاهی معمول است که والدین (زن و شوهر) با توافق یکدیگر اقدام کنند، مگر در موارد استثنا و نادر. بنابراین، با عنایت به انواع و

۱. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۵۴۳.

۲. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۵۵۷.

۳. ابوزهرة، عقد الزواج و آثاره، ص ۲۹۶.

۴. بغوی، التهذیب فی فقه الامام شافعی، ج ۶، ص ۳۲۳.

۵. مغنیه، فقه الإمام الصادق علیه السلام، ص ۳۹۳.

مراحل مختلف تولید جنین آزمایشگاهی و با توجه مشخص شدن نسب کودک، متولی پرداخت هزینه‌های نفقه جنین آزمایشگاهی (حمل) معین می‌شود. نفقه کودک از دوران حاملگی تا زمانی که به حدی برسد که بتواند خود را اداره کند یا ثروتی به او برسد، ادامه می‌یابد. طبق ماده ۱۱۹۶ قانون مدنی، فقط اقارب نسبی در خط عمودی، صعودی و نزولی، ملزم به انفاق یکدیگرند. فرزند ناشی از تلقیح مصنوعی (تحت شرایط خاص تبیین شده در شرع و عرف و قانون) همچون فرزند ناشی از نزدیکی زن و شوهر است و شرایط داشتن حق نفقه را دارد. در صحیح محمد بن قیس آمده است: «و علیه نفقتها بالمعروف حتی تضع حملها»^۱ مطابق این حدیث، نفقه زن در مدت حمل بر عهده شوهر است.^۲

در اینکه نفقه به حمل تعلق می‌گیرد یا حامل، اختلاف نظر وجود دارد. محقق در *شرایع* می‌گوید: «هل النفقه للحمل او لأمه قال الشيخ هی للحمل». صاحب *جواهر* در شرح عبارت فوق می‌نویسد: «جماعتی از فقها نیز این نظریه را پذیرفته‌اند و صاحب *حلائق* آن را به بیشتر فقها نسبت داده است.^۳ حتی اگر نفقه برای حامل باشد نیز می‌توان گفت که دلیل آن حمل است؛ یعنی زن حامل وظیفه دارد بعد از تحقق حمل، حق ندارد سقط جنین کند، بلکه باید آن را در رحم خود حفظ کند و از خون و شیره جان خود به او بخوراند تا به حد کمال برسد. در برابر این وظیفه برای زن استحقاق نفقه ایجاد می‌شود.

در این حکم که زن می‌تواند از پدر کودک مطالبه نفقه کند، فرقی بین مبنای وجود ندارد؛ زیرا پدر کودک صاحب اسپرم است. البته این در صورتی است که صاحب اسپرم شناخته شده باشد، ولی اگر ناشناخته باشد و صاحب رحم با رضایت خود انتقال جنین را بپذیرد، حق مطالبه نفقه از هیچ کس را ندارد.^۴

۱. حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۲۱، باب ۷، از ابواب نفقات، حدیث ۳.

۲. گروه فقه و حقوق و روان‌شناسی پژوهشکده ابن‌سینا، *روش‌های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق*، ص ۲۷۲.

۳. نجفی، *جواهرالکلام*، ج ۱۱، ص ۲۰۷.

۴. گروه فقه و حقوق و روان‌شناسی پژوهشکده ابن‌سینا، *روش‌های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه*

نکته مهم دیگر اینکه اگر پدر کودک، یعنی صاحب اسپرم، مجهول و ناشناخته باشد و کودک مزبور رابطه خونی با شوهر مادرش نداشته باشد، تکلیف انفاق فقط بر عهده مادر و نزدیکان مادری است.^۱

دخالت نسب در وجوب نفقه

روشن شدن وضعیت نسب جنین آزمایشگاهی مهم‌ترین حکم وضعی است؛ زیرا نسب، احکام وضعی کودک که مربوط به نفقه است را تحت الشعاع قرار می‌دهد. حکم تکلیفی تولید و انتقال جنین هرچه باشد، جواز یا حرمت، تأثیری در انتساب ندارد. تولید و انتقال جنین اگر حرام هم باشد کودک ناشی از آن، پدر و مادر دارد؛ اما باید دید او به چه کسانی منتسب است.

جنین آزمایشگاهی با داشتن دو شرط موجود بودن و زنده متولد شدن، از حق نفقه برخوردار است. از نظر نسب، جنین آزمایشگاهی ملحق به صاحبان نطفه است و چون در شمار نزدیکان نسبی است، مشمول احکام نفقه است.^۲ از کلمات فقها به دست می‌آید که رابطه زوجیت زن و مرد یا اعتقاد به چنین رابطه‌ای (شبهه) سبب انتساب کودک به پدر و مادر می‌شود ولی زنا نسب را ثابت نمی‌کند: «النسب یثبت مع النکاح الصحیح و مع الشبهه و لا یثبت مع الزنا».^۳ مواد ۱۱۵۸ و ۱۱۵۹ مربوط به نسب در قانون مدنی، نزدیکی و واقعه را بیان کرده‌اند؛ چون راه طبیعی انعقاد نطفه است. بیشتر فقها و حقوقدانان معاصر این موضوع را جایز می‌دانند و تنها عده کمی از فقها نظرشان عدم جواز آن است. برخی از حقوقدانان می‌گویند: «طفل متولد از لقاح مصنوعی از منی شوهر قانونی است و نزدیکی تأثیری در نسبت قانونی ندارد»^۴ و برخی دیگر معتقدند: «در تلقیح مصنوعی رابطه زوجیت بین زن و مردی که پدر و مادر او محسوب می‌شوند،

فقه و حقوق، ص ۲۷۳.

۱. نصرتی مراللو، لقاح مصنوعی و اهداء جنین از منظر فقه و حقوق اسلام، ص ۹۶.

۲. علوی و عزیززی، «بررسی حقوق غیر مالی کودک آزمایشگاهی»، ص ۱۶۰.

۳. نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۴۹۵.

۴. امامی، حقوق مدنی، ج ۵، ص ۱۸۴ و ۱۸۵.

وجود دارد و طفل نیز از ترکیب نطفه‌های این دو ایجاد شده است؛ پس باید وسیله امتزاج را از یاد برد و با تحقق این شرایط، نسب طفل را مشروع دانست.^۱

الف) منشأ انتساب فرزند به پدر

از نظر پزشکی مسلم است که منشأ پیدایش و ماده سازنده جنین از ناحیه پدر، اسپرم موجود در منی انسان است. عرف نیز معیار و ملاک نسب و ارتباط بین دو انسان را پیدایش یکی از دیگری می‌داند و بر این اساس، برای بیان این امر واقعی و تکوینی عنوانی به نام نسب را انتزاع می‌کند. شاهد بر این ادعا، آیات و روایاتی است که در این زمینه وجود دارد؛ برای نمونه در آیه (و هو الذی خلق من الماء بشراً فجعله نسباً وصهراً) محقق خویی ولد را منسوب به صاحب نطفه می‌داند. وی در جایی دیگر نیز صاحب نطفه را پدر کودک می‌داند و همه آثار نسب را بر آن مترتب می‌کند. در مسائل جدید نیز ولد را به صاحب نطفه ملحق کرده‌اند. منشأ پیدایش انسان همان برداشت عرفی از نسب است و اعتبار عرف منشأ واقعی دارد؛ به همین جهت، اعتبار و قراردادهای غیر واقعی، مانند فرزندخواندگی، همان گونه که قرآن کریم بیان شده، غیر مشروع و بی‌اثرند. بنا بر آنچه مطرح شد، می‌توان گفت که فرزند حاصل از نطفه، متعلق به مرد صاحب نطفه است و نسب پدری جنین آزمایشگاهی نیز به صاحب اسپرم برمی‌گردد.

ب) منشأ انتساب فرزند به مادر

در معیار پیدایش فرزند از ناحیه مادر، نظریه‌های متعددی ارائه شده که بررسی آنها برای رسیدن به نظر کامل‌تر ضروری است.

دیدگاه اول: زایمان

در لغت و عرف مادر یا والده به شخصی اطلاق می‌شود که کسی را می‌زاید و دیگری از او متولد می‌شود؛ بنابراین، زنی که کودک را حمل کرده و زاییده است، مادر کودک به شمار می‌آید. نخستین و مهم‌ترین آیه‌ای که در این مورد به آن استدلال

۱. کاتوزیان، حقوق مدنی خانواده، ص ۳۲۹.

کرده‌اند، این آیه است: (الَّذِينَ يَظَاهِرُونَ مِنكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ)؛^۲ «آنان مادرانشان نیستند، مادران آنها کسانی‌اند که آنان را زاده‌اند». بر این اساس، در زمان نزول آیات و صدور روایات مردم از اطلاعات جدید پزشکی که کودک، حاصل لقاح اسپرم و تخمک است آگاهی نداشتند و رحم زن را ظرف رشد جنین می‌پنداشتند و با وجود این، زن صاحب رحم را مادر می‌دانستند که نشان می‌دهد ملاک آنان زاییدن بوده است؛ قانون‌گذار اسلام نیز این عرف را تحت هر شرایطی امضا کرده است. آیات سوره‌های مبارکه احقاف، لقمان و نحل دیگر مستندات این گروه‌اند:

(وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ ...); و به انسان درباره پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم؛ مادرش با تحمل رنج او را باردار شد و با تحمل رنج او را به دنیا آورد. و حمل او تا روزی که از شیر گرفته شود سی ماه طول می‌کشد و تا هنگامی که به حد بلوغ و رشد عقلی برسد، همچنان پدر و مادر مراقبش هستند.

(وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ); و به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادرش او را باردار شد، سستی بر روی سستی و (شیر دادن و) از شیر جدا کردنش در دو سال بود.

(وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ); و خداوند شما را از شکم مادرانتان خارج کرد در حالی که هیچ چیز نمی‌دانستید؛ و برای شما، گوش و چشم و عقل قرار داد تا شکر نعمت او را به جا آورید.

دیدگاه دوم: تخمک

طرفداران این نظریه معتقدند که در نظر عرف، ملاک مادر بودن مانند ملاک پدر بودن است. عرف زنی را که در نخستین مرحله آفرینش و ایجاد و پیدایش جنین سهم دارد، مادر تلقی می‌کند و او کسی جز صاحب تخمک نیست. تغذیه این کودک از رحم، که پس از

این مرحله صورت می‌گیرد، فقط سبب رشد کودک می‌شود (و هیچ نقش دیگری ندارد) و دلیل نمی‌شود که کودک فرزند صاحبان اسپرم و تخمک نباشد. در انواع اهدای جنین، کودک به صاحبان جنین می‌رسد و صاحب رحم و شوهر او هیچ نسبتی با کودک ندارند.

دیدگاه سوم: زایمان و تخمک

(... يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ...); شما را در شکم‌های مادرانتان آفرینشی پس از آفرینشی (دیگر) در تاریکی‌های سه‌گانه (مشیمه، رحم و شکم) خلق کرد.

(اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ...); خدا می‌داند آنچه را هر ماده‌ای در رحم بازمی‌گیرد و آنچه را رحم‌ها می‌کاهند و آنچه را می‌افزایند.

(و ان کن اولات حمل فانفقوا علیهن حتی یضعن حملهن); اگر زن‌های مطلقه باردار باشند، به آنان نفقه بدهید تا زایمان کنند.

در هیچ آیه از زایمان به ولادت تعبیر نشده است. در اخبار و کلمات فقها نیز هر جا سخن از زایمان به میان آمده، با تعبیر وضع حمل بوده است. طرفداران این نظر معتقدند که هم صاحب رحم و هم صاحب تخمک مادرند و عرف این دو رابطه را برقرار می‌کند و اشکالی نیز بر آن مترتب نیست.

دیدگاه منتخب

به نظر می‌رسد دیدگاه سوم صحیح‌تر باشد. هم از لحاظ طبیعی و ژنتیکی و هم از لحاظ اخلاقی و عرفی، طفل هم به زن صاحب تخمک ملحق است و هم تعلق و وابستگی‌اش به کسی که ماه‌ها در درون او و همچون جزئی از پیکر او رشد کرده و شکل گرفته حائز اهمیت است؛ به‌خصوص با توجه به آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مؤمنون که مراحل رشد را بیان کرده‌اند. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در بیان معنای این عبارت می‌نویسد: «منظور این است که موجود استخوانی پوشیده از گوشت، آفرینش

دیگری به خود می‌گیرد؛ بدین معنا که ماده مرده، جاهل و عاجز به موجودی دارای حیات و علم و قدرت تبدیل می‌شود.^۱ بنابراین، پس از در نظر گرفتن تمامی آیات و روایات به این نتیجه می‌رسیم که طفل با هر دو زن بستگی دارد و هم بر صاحب رحم و هم بر صاحب تخمک می‌توان مادر اطلاق کرد. آیت‌الله موسوی اردبیلی و آیت‌الله علوی بروجردی از قائلان به این دیدگاه‌اند.

از نظر عقلی نیز فرزند فقط نتیجه تخمک و صفات به ارث برده شده از ژن‌ها نیست، بلکه تعامل با محیط اطراف نیز در شکل‌گیری او مؤثر است؛ به‌ویژه وقتی به صورت جنین به دیواره رحم چسبیده و همه وجود و رشد روانی و جسمی‌اش متأثر از رحم است.^۲ در ادامه به منظور تبیین بیشتر موضوع متولی نفقه، روش‌های تولید و جنین را بررسی می‌کنیم.

روش‌های تولید و انتقال جنین

به طور کلی، لقاح مصنوعی و اهدای گامت و تولید جنین آزمایشگاهی در دو نوع داخل رحمی و خارج رحمی انجام می‌شود. در روش تلقیح مصنوعی داخلی عمل تلقیح بین اسپرم مرد و تخمک زن در داخل رحم صورت می‌گیرد (گیفت)^۳ و در تلقیح مصنوعی خارجی عمل تلقیح در خارج از رحم به انجام می‌رسد.^۴ هر دو نوع تلقیح را می‌توان به سه روش انجام داد: ۱. باروری در لوله آزمایش؛^۵ ۲. زیفت؛^۶ ۳. باروری داخل سیتوپلاسمای تخمک (ICSI).^۷

۱. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۳۴۲.

۲. علوی و عزیزی، بررسی حقوق غیر مالی کودک آزمایشگاهی، ص ۱۶۹.

3. Gamete Intrafallopian Tube Transfer (GIFT)

۴. غانم، احکام الجنین فی الفقه الاسلامی، ص ۲۲۹-۲۳۴.

5. In Vitro Fertilization

6. Zygote Intrafallopian Transfer

7. Intra Cytoplasmic Sperm Injection

بررسی فقهی نفقه جنین حاصل از تلقیح مصنوعی

(الف) لقاح مصنوعی با اسپرم و تخمک زوجین (همسان) (AIH; Artificial Insemination by Husband)

طفل ناشی از تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر، فرزند مشروع والدین است؛ بنابراین، از جهت مالی - نظیر ارث و نفقه و هزینه حضانت - مانند فرزند معمولی ناشی از روابط جنسی است. نفقه چنین کودکی در درجه اول بر عهده پدر و در صورتی که پدر فوت شده باشد یا قادر به تأمین هزینه حضانت و تربیت نباشد، بر عهده مادر است.^۱

(ب) لقاح مصنوعی با اسپرم اجنبی و تخمک زوجه (دگرسان) (AID; Artificial Insemination by Donor)

اگر اسپرم زوج فاقد قدرت باروری باشد، تخمک زوجه با اسپرم مرد اجنبی تلقیح می‌شود تا لقاح در لوله رحم زوجه صورت پذیرد. این نوع لقاح را A.I.D می‌گویند که به روش I.V.F انجام می‌پذیرد. در این نوع از لقاح باید دهنده نطفه و گیرنده آن مشخص باشند تا از اختلاط نسل و نسب جلوگیری شود. در این حالت، کودک ملحق به صاحب رحم است که تخمک نیز از او است و از ناحیه پدر به صاحب نطفه، یعنی مرد اجنبی، ملحق می‌شود.^۲

در این روش اگر ثابت شود زوج رضایت به چنین عملی نداشته، نفقه کودک بر عهده مادر و جد مادری است، ولی اگر ثابت شود که زوج با خریدن اسپرم یا اهدای آن مالک اسپرم می‌شود، او پدر کودک به حساب می‌آید.^۳

با عنایت به اینکه در فقه امامیه هنوز جواز کاملی برای انجام این روش صادر نشده، مسئولیت تحمل نفقه چنین طفلی با مصالحه و بر اساس قراردادی که بین دهندگان و گیرندگان نطفه بسته می‌شود، تعیین خواهد شد. تمام علمای اهل سنت حکم به تحریم

۱. نصرتی مراللو، لقاح مصنوعی و اهداء جنین از منظر فقه و حقوق اسلام، ص ۸۱

۲. رضایا معلم، باروری‌های پزشکی از دیدگاه فقه و حقوق، ص ۳۹۳.

۳. گروه فقه و حقوق و روان‌شناسی پژوهشکده ابن‌سینا، روش‌های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق، ص ۲۷۲.

این صورت می‌دهند و ادله آنان عیناً همان مواردی است که در مورد تلقیح مصنوعی با اسپرم بیگانه ذکر می‌شود.^۱

ج) اهدای تخمک (Oocyte Donation)

در صورتی که زن فاقد تخمک باشد یا رحمش قدرت تلقیح نداشته باشد، تخمک زن با وسایل مخصوصی گرفته می‌شود و پس از کشت در محیط آزمایشگاهی و لقاح با اسپرم و تولید جنین، جنین به رحم زن صاحب تخمک یا متقاضی منتقل می‌شود. با توجه به این که تخمک متعلق به غیر و اسپرم از شوهر زوجه است، بخشی مهم، یعنی رابطه نسبی با شوهر، برقرار است و با توجه به قانون اهدای جنین به زوجین نابارور، به طریق اولی رابطه قانونی با مادر تنظیم می‌شود و زوجین پدر و مادر طفل تلقی می‌شوند. از آنجا که در هر دو حالت انتقال تخمک با استفاده از تخمک همسر دوم و انتقال تخمک با استفاده از تخمک زن بیگانه شوهر صاحب نطفه (اسپرم) است، نفقه جنین بر عهده وی، که پدر حمل محسوب می‌شود، خواهد بود.

د) اهدای جنین (Embryo donation)

در این روش یا هیچ کدام از زوجین دارای سلول جنسی سالم و مناسب برای تولید مثل نیستند یا اینکه به علت نقص‌های موجود، امکان لقاح بین اسپرم و تخمک در رحم زن وجود ندارد؛ ولی زن قادر به گذراندن موفقیت‌آمیز یک دوره کامل آبستنی منجر به زایمان است. پس از ترکیب جنین از اسپرم و تخمک زوجین، می‌توان آن را به دو روش رشد داد:

الف) انتقال به رحم زوجه

در این روش اصولاً از اسپرم و تخمک زوجین قانونی استفاده می‌شود. این موضوع در بند الف-۲ ماده قانون اهدای جنین، یکی از شرایط اهداکنندگان است. در این حالت زن و مرد، پدر و مادر جنین‌اند و او فرزند آنان است و همه احکام مترتب بر یک اولاد پاک- از قبیل، نسب، ارث و محرم بودن- محقق خواهد شد؛ هرچند شکل گرفتن

۱. عارف، الامّ البدلیة رؤیة اسلامیة، دراسات فقهیة فی قضایا طبیة معاصرة، ج ۲، ص ۸۱۷.

جنین در رحم زن از راه آمیزش طبیعی صورت نپذیرفته باشد.^۱ به نظر می‌رسد هیچ دلیلی بر حرام بودن این فرض وجود ندارد؛ از این رو، با شک در حرمت، اصل برائت جاری می‌شود و فرقی نمی‌کند که این زن همان صاحب تخمک باشد یا همسر دوم مرد یا کنیز وی. بنابراین، آنان که طفل را به صاحب اسپرم نسبت می‌دهند، به طریق اولی باید نفقه را بر وی واجب بدانند؛ چراکه حتی اگر اهدای جنین را جایز ندانند، کمتر فقیهی آن را زنا دانسته است که حتی اگر مثل آن باشد نیز نفقه بر وی واجب است. بر این اساس، نفقه فرزند بر عهده دریافت‌کنندگان جنین است.

ب) انتقال به رحم جانشین (Surrogacy)

در این حالت زن و شوهر پس از تشکیل جنین با اسپرم و تخمک خود، آن را در رحم زن نامحرمی قرار می‌دهند تا بعد از انقضای مدت حمل و وضع، کودک را به صاحبان جنین تحویل دهد. این رحم ممکن است عاریه‌ای باشد.^۲ مادر جانشین موظف است طفل را پس از تولد به والدین اصلی تحویل دهد. شکی نیست که چنین کاری جایز است و در زمره عناوین محرمه نیست؛ زیرا آنها عناوین ویژه‌ای هستند که از قرار دادن منی یا نطفه در داخل رحم انتزاع می‌شوند، در حالی که در این فرض، نطفه در خارج رحم بسته می‌شود.^۳ مادر اصلی صاحب تخمک است، نه زنی که جنین را در رحم جای داده است.^۴ با توجه به مشخص بودن پدر، موضوع نفقه نیز روشن است.

بهره‌گیری از رحم جایگزین در فرآیند باروری تقسیمات گوناگونی دارد که بر اساس گونه‌های مختلف، ارتباط ژنتیکی مادر جانشین و جنین به سه دسته کلی تقسیم می‌شود: ۱. جانشینی کامل؛ ۲. جانشینی سنتی و ۳. جانشینی با استفاده از تخمک یا جنین اهدایی.

۱. خرازی، «تلقیح»، ص ۱۰۲.

۲. گروه فقه و حقوق و روان‌شناسی پژوهشکده ابن‌سینا، روش‌های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق، ص ۲۶۲.

۳. حرم‌پناهی، تلقیح مصنوعی، روش‌های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق، ص ۱۴۸.

۴. یزدی، «باروری‌های مصنوعی و حکم فقهی آن»، ص ۱۰۶.

استفاده از جایگزینی رحمی در درمان ناباروری احکام فقهی و حقوقی خاصی دارد که در این مقال نمی‌گنجد. فقهای عظام در احکام وضعی جانشینی رحمی متفق‌القول نیستند؛ اما در بیان اصل حکم تکلیفی استفاده از جایگزینی رحمی اختلاف ندارند. احکام وضعی به محض انعقاد قرارداد و جایگزین کردن جنین در رحم شخص ثالث، برای طفل ایجاد می‌شود. طفل بعد از تولد در حکم کودک واقعی زوجین نابارور است و همه حقوق حقه‌ای که برای کودکان عادی بعد از تولد محقق می‌شود، از جمله نفقه، برای او نیز محقق خواهد شد.^۱

پرسش اساسی این است که مطابق مبنای کسانی که فرزند را فقط به مادر ملحق می‌کنند، آیا حق نفقه فرزند ابتدائاً و مستقیماً بر مادر است یا پدر هم از باب تسبیب یا رضایتش باید نفقه یا خساراتی را بپردازد. می‌توان چنین استناد کرد که کسانی که با استناد به آیه شریفه (ان امهاتهم الاّ الّتی ولدنهم)،^۲ کودک را به صاحب رحم منسوب می‌دانند، صاحب اسپرم را پدر کودک به شمار می‌آورند. همچنین عموم آیه ظهار دلالت دارد که طفلی که در رحم زن رشد می‌کند به مادرش ملحق می‌شود و آن زن مادر آن طفل به شمار می‌آید. بر این اساس، طفل حاصل از لقاح مصنوعی به مادر طبیعی خود ملحق می‌شود. بچه‌ای که از انتقال جنین به وجود آمده نیز مانند کودکان دیگر است که شیردادن بر مادرانشان واجب نیست و می‌توانند در مقابل شیر از پدر کودک اجرت بگیرند.

نتیجه

بر اساس ماده ۱۹۹۹ قانون مدنی پرداخت و تأمین نفقه اولاد، اگر فرزند دارای شناسنامه باشد و پدرش مشخص باشد، پدر موظف است نفقه او را بدهد و اگر پدر فوت کرده باشد یا قادر به پرداخت نفقه فرزندان نباشد، پرداخت نفقه بر عهده پدر بزرگ خواهد بود؛ همچنین اگر جد پدری هم زنده نباشد یا نتواند نفقه بپردازد،

۱. باقری‌نسب، رحم جایگزین در درمان ناباروری از دیدگاه پزشکی فقهی و حقوقی، ص ۲.

۲. مجادله: ۲.

تأمین هزینه‌ها بر عهده مادر است. اگر مادر نیز نباشد یا خودش مشکلات معیشتی داشته باشد، نفقه بر عهده اجداد پدری و اجداد مادری، یعنی مادربزرگ پدری یا مادربزرگ مادری، خواهد بود. بنابراین، نفقه فرزندان به ترتیب بر عهده ۱. پدر، ۲. پدربزرگ پدری، ۳. مادر و ۴. مادربزرگ پدری و مادربزرگ مادری و پدربزرگ مادری خواهد بود. بر طبق عرف نیز نفقه اولاد بر عهده پدر، سپس با اجداد پدری و پس از آن بر عهده مادر است.

فقها نفقه فرزند را واجب می‌دانند؛ حتی اگر از راه خلاف شرع (زنا) باشد. این حکم قانونی فراگیر است و همان‌طور که جنین طبیعی (حمل) را در برمی‌گیرد و نفقه به مادر جنین (حامل) می‌رسد، شامل رویان آزمایشگاهی نیز می‌شود؛ هزینه نگهداری رویان نیز بر عهده پدر است.

با در نظر گرفتن شرایط جواز شرع اسلام، همه کودکانی که در محیط آزمایشگاهی با روش‌های پزشکی متولد می‌شوند، از حقوق کامل کودکان طبیعی برخوردارند و قانون‌گذار این کودکان را در زمره کودکان طبیعی متولدشده از رحم مادر در نظر گرفته است؛ از این رو تمام آثار حقوقی کودکان طبیعی به ویژه بحث نفقه بر آنها صدق می‌کند. با توجه به مطالب ذکر شده، نحوه به دنیا آمدن کودکان، طبیعی باشد یا مصنوعی، از رحم مادر اصلی باشد یا از رحم شخص ثالث (مادر جانشین)، خارج رحمی باشد یا داخل رحمی، تفاوتی در اصل پرداخت نفقه ایجاد نمی‌کند.

منابع

- ابراهیمی، محمدحسین (۱۳۹۳ش)، بررسی مسئله تلقیح مصنوعی در نگاه فقهی، قم: نشر تاملین.
- ابن فارس، احمد، معجم مقائیس اللغة، بی جا.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۹۹۷م)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
- ابوزهره، محمد (۱۹۸۵م)، عقد الزواج و آثاره، جامعه الدول العربیه.
- اسلامی، علی (۱۳۶۶-۱۳۷۷ش)، ترجمه شرح تحریر الوسیله، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- امامی، حسن (۱۳۷۷ش)، حقوق مدنی، چ پانزدهم، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- باقری نسب، تکتم (۱۳۹۱ش)، رحم جایگزین در درمان ناباروری از دیدگاه پزشکی فقهی و حقوقی، تهران: انتشارات جاودانه، جنگل.
- بغوی، ابو محمد بن الحسین بن مسعود بن الفراء (۴۱۸ق)، التهذیب فی فقه الامام شافعی، چ اول بیروت: دارالکتب العلمیه.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۷ش)، رسائل فقهی، تهران: نشر کرامت.
- حر عاملی، محمد (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- حرم پناهی، محسن (۱۳۸۲ش)، تلقیح مصنوعی، روش های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق (مجموعه مقالات)، تهران: سمت.
- خرازی، سید محسن (۱۴۲۰ق)، «تلقیح»، فقه اهل بیت، سال ۴، ش ۱۶.
- خمینی، سید روح الله (۱۴۰۳ق)، تحریر الوسیله، قم: مکتبه الاعتماد.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۷ش)، لغت نامه دهخدا، تهران: چاپ دانشگاه تهران.
- رضانیا معلم، محمدرضا (۱۳۸۹ش)، باروری های پزشکی از دیدگاه فقه و حقوق، قم: نشر بوستان کتاب.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق)، مسالک الأفهام الی تنقیح شرائع الإسلام، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۳ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- عارف، علی عارف (۱۴۲۱ق)، الامّ البدلیة رؤیة اسلامیة، دراسات فقهیة فی قضایا طبیة معاصرة، اردن: دار النفائس.

تحمل هزینه‌های نفقه جنین آزمایشگاهی / ۲۶۱

- علوی، سید محمدتقی، عزیزی، مرتضی (۱۳۹۱ش)، «بررسی حقوق غیر مالی کودک آزمایشگاهی»، *مجله فقه و حقوق اسلامی*، دانشگاه تبریز، دوره ۳، ش ۵، صص ۱۵۹-۱۹۳
- غانم، عمر بن محمد بن ابراهیم (۱۴۲۱ق)، *احکام الجنین فی الفقه الاسلامی*، بیروت: دار ابن حزم.
- فراهیدی، خلیل (۱۴۰۹ق)، *العین*، قم: مؤسسه دارالهجرة.
- فیض‌الهی، نجات (۱۳۸۹ش)، *اهدای جنین و دیگر روش‌های باروری در حقوق ایران*، تهران: انتشارات جاودانه، جنگل.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲ش)، *حقوق مدنی خانواده (نکاح و طلاق روابط زن و شوهر)*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- گروه فقه و حقوق و روان‌شناسی پژوهشکده ابن‌سینا (۱۳۸۰ش)، *روش‌های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق (مجموعه مقالات)*، تهران: سمت.
- متقی‌هندی، علاء‌الدین علی (۱۴۰۹ق)، *کنز العمال فی سنن الأفعال و الأفعال*، ج ۱۶، تحقیق و تصحیح شیخ بکری حیانی و شیخ صفوة الصفا، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۴ش)، *بررسی فقهی حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن*، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- معین، محمد (۱۳۶۴ش)، *فرهنگ معین فارسی*، تهران: امیرکبیر.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۰۴ق)، *فقه الإمام الصادق علیه السلام*، قم: مؤسسه انصاریان.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۶۶ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
- نایب‌زاده، عباس (۱۳۸۰ش)، *بررسی حقوقی روش‌های نوین باروری مصنوعی*، تهران: مجد.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، بیروت: داراحیا التراث العربی.
- نصرتی مراللو، عضیمه (۱۳۹۱ش)، *لقاح مصنوعی و اهداء جنین از منظر فقه و حقوق اسلام*، تهران: انتشارات خرسندی.
- یزدی، محمد (۱۳۷۵ش)، «باروری‌های مصنوعی و حکم فقهی آن»، *فقه اهل بیت*، سال ۲، ش ۵ و ۶.